
(مطالعه تطبیقی اوصاف قییم و مسئولیت مدنی او در نظام های حقوقی ایران و فرانسه)

پری چهر شجاعی^۱ صالح نوری^۲

۱. کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، موسسه غیرانتفاعی آموزش عالی آفاق، ارومیه، ایران

۲. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده:

صغیر و مجنون به دلیل ناتوانی در اداره اموالشان مورد حمایت قرار گرفته اند و در اداره اموال خود ممنوع هستند. در نتیجه افرادی مانند پدر، جد پدری، وصی به عنوان قییم بر او ولایت دارند و در اموال آنها تصرف می کنند. این اشخاص که دارای اهلیت کامل هستند دارای اوصاف خاصی هستند که دادگاه با بررسی این اوصاف نظر مثبت پیدا می کند. اگر سرپرست چه قانونی مانند پدر چه قراردادی و چه قضایی، در صورتی که در نگهداری صغیر و مجنون کوتاهی کند، مسئول جبران خسارت وارده می شود. اگر شخص تحت مراقبت، خسارتی به خود یا دیگری وارد نماید، قاعدتاً شخص مراقب باید مسئول جبران خسارت باشد. شیوه پژوهش توصیفی تحلیلی می باشد و از نتایج این پژوهش به اجمال می توان گفت که در حقوق فرانسه، طبق ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه به مسئولیت والدین اشاره دارد و اصل بر تقصیر است که برخلاف قواعد عمومی است و پدر و مادر متضامناً مسئول زیان های ناشی از فرزند صغیری که با آنان در یک جا سکونت دارند می باشند. در حقوق ایران نیز ماده ۷ ق.م.م به مسئولیت سرپرست مجنون و صغیر اشاره نموده است. در هر موردی که شخصی نیازمند مراقبت است، شخصی که مراقبت از وی را بر عهده دارد مسئول عمل وی است. در حقوق ایران و فرانسه مسئولیت مدنی ناشی از فعل زیانبار صغیر از مصادیق مسئولیت ناشی از فعل غیر است که هدف این پژوهش بررسی اوصاف مورد قبول قییم و مسئولیت مدنی او در نظام حقوقی ایران و فرانسه است.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، قییم، جبران خسارت، ایران، فرانسه.

مقدمه

پیشرفت تحصیلی در دوران مدرسه یکی از مهم ترین شاخص های رشد شناختی و آموزشی کودکان محسوب می شود و می تواند تأثیرات بلندمدتی بر مسیر تحصیلی و شغلی آنان داشته باشد. در میان حوزه های مختلف یادگیری، ریاضیات جایگاه ویژه ای دارد؛ زیرا علاوه بر تقویت مهارت های محاسبه و استدلال، توانایی حل مسئله، تفکر منطقی و تصمیم گیری را نیز در دانش آموزان تقویت می کند (National Research Council, ۲۰۰۱). از این رو، شناخت عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی ریاضی دانش آموزان از موضوعات مهم در پژوهش های آموزشی و روان شناختی به شمار می آید.

در سال های اخیر، توجه پژوهشگران از عوامل صرفاً آموزشی به نقش عوامل فردی، شناختی و خانوادگی در موفقیت تحصیلی گسترش یافته است. در این میان، خانواده به عنوان نخستین بستر اجتماعی رشد کودک نقش مهمی در شکل گیری توانایی های شناختی، هیجانی و تحصیلی او ایفا می کند. یکی از مهم ترین ابعاد تعاملات خانوادگی، سبک های والدگری است که به الگوهای نسبتاً پایدار رفتار و نگرش والدین در تعامل با فرزندان اشاره دارد (Darling & Steinberg, ۱۹۹۳). بامریند (۱۹۹۷، ۱۹۹۱) بر اساس دو بعد گرمی و کنترل، سه سبک اصلی والدگری شامل مقتدرانه، مستبدانه و سهل گیرانه را معرفی کرد. پژوهش ها نشان داده اند که سبک والدگری مقتدرانه، که با ترکیبی از حمایت عاطفی و نظارت منطقی همراه است، اغلب با پیامدهای تحصیلی و اجتماعی مطلوب تری در کودکان مرتبط است.

در کنار عوامل خانوادگی، کارکردهای اجرایی نیز به عنوان یکی از سازه های مهم شناختی در تبیین موفقیت تحصیلی مطرح شده اند. کارکردهای اجرایی به مجموعه ای از فرآیندهای شناختی سطح بالا اشاره دارند که مسئول برنامه ریزی، تنظیم رفتار، کنترل توجه و هدایت رفتار هدفمند هستند (Diamond, ۲۰۱۳). بر اساس مدل Unity/Diversity میاکی و همکاران (۲۰۰۰)، کارکردهای اجرایی شامل سه مؤلفه اصلی بازداری پاسخ، حافظه کاری و انعطاف پذیری شناختی هستند که در انجام فعالیت های پیچیده شناختی و تحصیلی نقش اساسی دارند. مطالعات متعدد نشان داده اند که این کارکردها با عملکرد تحصیلی دانش آموزان، به ویژه در حوزه ریاضیات، ارتباط نزدیکی دارند (Blair & Razza, ۲۰۰۷; Bull et al., ۲۰۰۸; Best & Miller, ۲۰۱۰).

از سوی دیگر، شواهد پژوهشی نشان می دهد که کیفیت تعاملات والد-کودک می تواند بر رشد کارکردهای اجرایی تأثیرگذار باشد. برای مثال، رفتارهای والدینی مبتنی بر حمایت، پاسخ گویی و ساختاردهی مناسب می توانند فرصت های بیشتری برای تمرین خودتنظیمی و کنترل شناختی در اختیار کودکان قرار دهند (Bernier et al., ۲۰۱۲; Carlson, ۲۰۰۹). در مقابل، شیوه های فرزندپروری کنترل گر یا غافلانه ممکن است رشد مهارت های خودتنظیمی و کارکردهای اجرایی را با محدودیت مواجه سازند.

با توجه به این یافته ها، در سال های اخیر توجه پژوهشگران به بررسی نقش واسطه ای کارکردهای اجرایی در رابطه میان سبک های والدگری و عملکرد تحصیلی کودکان جلب شده است. در این چارچوب، فرض بر این است که شیوه های فرزندپروری از طریق تأثیر بر رشد کارکردهای اجرایی، زمینه را برای موفقیت یا ناکامی تحصیلی کودکان فراهم می کنند. با وجود افزایش مطالعات در این حوزه، هنوز پژوهش های محدودی به طور همزمان رابطه میان سبک های والدگری، کارکردهای اجرایی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان را بررسی کرده اند.

بر این اساس، هدف پژوهش حاضر مرور و تحلیل مطالعات انجام شده درباره رابطه سبک های والدگری و پیشرفت تحصیلی با تأکید بر نقش میانجی کارکردهای اجرایی است. بررسی این روابط می تواند درک جامع تری از سازوکارهای شناختی و

خانوادگی مؤثر بر موفقیت تحصیلی کودکان فراهم آورد و زمینه‌ای برای طراحی مداخلات آموزشی و تربیتی مؤثر در جهت بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان فراهم سازد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع مرور نظام‌مند (Systematic Review) است. مرور نظام‌مند یکی از معتبرترین انواع مطالعات مروری است که با هدف گردآوری، ارزیابی انتقادی و ترکیب ساختارمند شواهد موجود درباره یک سؤال یا چارچوب نظری مشخص انجام می‌شود. این نوع مطالعه، برخلاف مرورهای روایتی سنتی که فاقد طرح از پیش ثبت‌شده‌اند، دارای روش‌شناسی شفاف، قابل بازتولید و مبتنی بر پروتکل است و از این طریق احتمال سوگیری انتخاب و گزارش را کاهش می‌دهد (ابدی‌خدایی و

تیوری، ۱۳۹۸؛ ۲۰۲۴). (Núñez et al., ۲۰۲۴). در این مطالعه نیز تمامی مراحل جستجو، غربالگری، انتخاب و تحلیل مطالعات بر اساس رویکرد توصیه شده در دستورالعمل PRISMA انجام شد. از ۸۳ مورد یافت شده در نهایت ۱۵ مقاله انتخاب شد. معیارهای ورود:

مطالعاتی وارد مرور شدند که با سؤال اصلی پژوهش انطباق داشتند؛ یعنی بررسی رابطه میان سبک های والدگری، کارکردهای اجرایی و پیشرفت تحصیلی یا ترکیبی از آنها. معیارهای ورود شامل موارد زیر بود:

پژوهش هایی که به دست کم دو متغیر از سه متغیر اصلی (سبک های والدگری، کارکردهای اجرایی، پیشرفت تحصیلی) پرداخته باشند.

مطالعاتی که در آنها سبک های والدگری بر اساس چارچوب بامریند (مقتدرانه، مستبدانه، سهل گیرانه) یا الگوهای مبتنی بر آن سنجیده شده بود.

مطالعاتی که در آن کارکردهای اجرایی با ابزارهای معتبر (مانند آزمون های حافظه کاری، بازداری پاسخ، انعطاف پذیری شناختی، برنامه ریزی) اندازه گیری شده بود.

پژوهش هایی که پیشرفت تحصیلی را با ابزار معتبر، نمرات مدرسه یا آزمون های استاندارد ارزیابی کرده بودند. مقالات داوری شده منتشر شده به زبان های فارسی یا انگلیسی، بازه زمانی انتشار ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۵ میلادی (و معادل شمسی ۱۳۸۹ تا ۱۴۰۴).

طراحی های پژوهشی کمی شامل همبستگی، مقطعی، مقایسه ای، یا مدل های میانجی گرانه و رگرسیون (SEM). مطالعاتی با ویژگی های زیر از مرور کنار گذاشته شدند:

پژوهش هایی که تنها یک متغیر از سه متغیر اصلی را بررسی کرده بودند.

مطالعات موردی، گزارش های فردی یا پژوهش های با حجم نمونه بسیار کم.

پژوهش هایی که از ابزارهای نامعتبر یا غیرمستقیم برای سنجش کارکردهای اجرایی یا والدگری استفاده کرده بودند.

نامه ها به سردبیر، مقالات کنفرانسی فاقد متن کامل و پایان نامه های منتشر نشده.

مطالعاتی که متغیر تحصیلی را صرفاً در حوزه های غیرشناختی (مانند انگیزش یا نگرش تحصیلی) بررسی کرده بودند.

راهبرد جستجوی نظام مند:

جستجوی الکترونیکی در پایگاه های داخلی شامل SID، Magiran، Noormags و پرتال علوم انسانی و در پایگاه های بین المللی PubMed، Scopus، Web of Science، ERIC و PsycINFO انجام شد. استراتژی جستجو با ترکیب عملگرهای بولی (AND, OR) و مجموعه کلیدواژه های مرتبط تدوین شد.

کلیدواژه های فارسی شامل: «سبک های والدگری»، «والدگری مقتدرانه»، «والدگری مستبدانه»، «والدگری سهل گیر»، «کارکردهای اجرایی»، «حافظه کاری»، «بازداری پاسخ»، «انعطاف پذیری شناختی»، «برنامه ریزی»، «پیشرفت تحصیلی». کلیدواژه های انگلیسی:

“parenting style” OR “authoritative” OR “authoritarian” OR “permissive”

AND “executive functions” OR “working memory” OR “response inhibition” OR “cognitive flexibility” OR “planning”

AND “academic achievement” OR “school performance” OR “mathematics achievement.”

راهبرد جستجو مطابق با توصیه های Cochrane Collaboration (۲۰۲۳) مستندسازی شد.

فرآیند غربالگری و انتخاب مطالعات:

تمامی مقالات بازبازی شده به نرم افزار مدیریت منابع EndNote وارد و موارد تکراری حذف شد.

غربالگری در دو مرحله انجام شد:

مرحله اول: بررسی عنوان و چکیده براساس معیارهای ورود و خروج.

مرحله دوم: مطالعه متن کامل مطالعات باقی مانده برای تعیین نهایی واجد شرایط بودن.

ارزیابی کیفیت مطالعات

برای ارزیابی کیفیت، متناسب با نوع طراحی مطالعات از ابزارهای استاندارد استفاده شد:

برای مطالعات مشاهده‌ای و همبستگی: چکلیست STROBE

برای مطالعات شبه‌آزمایشی: چکلیست ارزیابی کیفیت Cochrane

استخراج داده‌ها:

فرم استاندارد استخراج داده مطابق پیچ و همکاران (۲۰۲۱) طراحی و پس از اجرای آزمایشی نهایی شد. داده‌های

استخراج شده شامل:

اطلاعات کتاب‌شناختی (نویسنده، سال، محل انجام پژوهش)

ویژگی‌های نمونه (تعداد، سن، پایه تحصیلی، جنسیت)

ابزارهای سنجش سبک والدگری و کارکردهای اجرایی

شاخص‌های عملکرد تحصیلی

نوع رابطه یا مدل تحلیلی (مستقیم، غیرمستقیم، میانجی)

نتایج آماری کلیدی (بتاها، همبستگی‌ها، اندازه اثر)

ارزیابی کیفیت پژوهش

شیوه ترکیب و تحلیل داده‌ها

با توجه به ناهمگونی طرح‌ها و ابزارها، از ترکیب کیفی یافته‌ها (Synthesis without meta-analysis) استفاده شد

(Page et al., ۲۰۲۱). مطالعات براساس سه محور اصلی دسته‌بندی و تحلیل شدند:

رابطه سبک‌های والدگری و پیشرفت تحصیلی

رابطه کارکردهای اجرایی و پیشرفت تحصیلی

مدل‌های میانجی‌گرانه شامل هر سه متغیر

مرور پژوهش‌ها

پژوهش‌های متعددی به بررسی رابطه میان سبک‌های فرزندپروری و پیامدهای تحصیلی کودکان پرداخته‌اند. نتایج اغلب این

مطالعات نشان می‌دهد که سبک والدگری مقتدرانه با پیامدهای تحصیلی مطلوب‌تر همراه است، در حالی که سبک‌های

مستبدانه و سهل‌گیرانه معمولاً با نتایج تحصیلی ضعیف‌تر یا روابط غیرمعتادار همراه هستند. برای مثال، طباطبایی و همکاران

(۱۳۹۳) نشان دادند که سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه و مستبدانه با پیشرفت تحصیلی رابطه منفی و معنادار دارند.

همچنین شریفی‌سده (۱۳۹۷) گزارش کرد که سبک والدگری مقتدرانه با پیشرفت تحصیلی و خلاقیت دانش‌آموزان رابطه

مثبت و معنادار دارد، در حالی که سبک‌های استبدادی و سهل‌گیرانه رابطه معناداری با این متغیرها نشان ندادند. در پژوهشی

دیگر، نواب کاشانی و پورسید آقایی (۱۴۰۱) نیز دریافته‌اند که سبک مقتدرانه با خودکارآمدپنداری، حرمت خود و موفقیت

تحصیلی رابطه مثبت دارد، در حالی که سبک‌های سهل‌گیرانه و مستبدانه با این متغیرها رابطه منفی دارند.

یافته‌های مطالعه مروری عبدالملکی و عباسی (۱۴۰۴) نشان می‌دهد که سبک‌های فرزندپروری والدین نقش تعیین‌کننده‌ای

در عملکرد تحصیلی و الگوهای رفتاری دانش‌آموزان دوره ابتدایی دارند. در این میان، سبک مقتدرانه - مبتنی بر ترکیب

حمایت عاطفی و نظارت منطقی - بیشترین ارتباط را با پیامدهای تحصیلی و رفتاری مطلوب داشته و با کاهش مشکلات

رفتاری، بهبود سازگاری اجتماعی و تقویت انگیزش تحصیلی همراه است. همچنین نتایج بیانگر آن است که اثربخشی سبک‌های فرزندپروری تحت تأثیر عوامل زمینه‌ای نظیر بافت فرهنگی، وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده و ویژگی‌های فردی دانش‌آموزان قرار دارد. از این‌رو، مداخلات مبتنی بر رویکرد مقتدرانه زمانی کارآمدتر خواهند بود که با شرایط فرهنگی و اجتماعی خانواده‌ها همسو باشند.

یافته‌های یک مطالعه مرور روایتی نیز نشان می‌دهد که عملکردهای اجرایی شامل بازداری، حافظه کاری و انعطاف‌پذیری شناختی نقش مهمی در سازگاری تحصیلی و پیشرفت آموزشی کودکان دارند و زیربنای شناختی-رفتاری مشارکت مؤثر آنان در فرایند یادگیری محسوب می‌شوند. تفاوت‌های فردی در این عملکردها حتی با کنترل متغیرهایی مانند هوش، وضعیت اقتصادی-اجتماعی و توانایی‌های زبانی همچنان پیش‌بین معناداری برای موفقیت تحصیلی هستند. همچنین عوامل فردی، خانوادگی و مدرسه‌ای نظیر سبک‌های فرزندپروری، کیفیت تعامل والد-کودک، ساختار کلاس و رابطه معلم-دانش‌آموز می‌توانند رشد عملکردهای اجرایی را تسهیل یا محدود کنند. از این‌رو، اتخاذ رویکردی اکولوژیک و توجه به تقویت این مهارت‌ها در طراحی برنامه‌های درسی و محیط‌های یادگیری ضروری است. شواهد نشان می‌دهد مداخلات چندسطحی شامل آموزش معلمان، توانمندسازی والدین و برنامه‌های تقویت عملکردهای اجرایی برای کودکان می‌تواند به بهبود خودتنظیمی و پیشرفت تحصیلی منجر شود؛ بنابراین توجه به این کارکردها در سیاست‌گذاری آموزشی و برنامه‌ریزی درسی برای ارتقای کیفیت یادگیری و فرصت‌های برابر تحصیلی اهمیت دارد (سعادت، ۱۴۰۴).

در پژوهشی دیگر مشخص شد میان سبک‌های والدگری و پیشرفت ریاضی دانش‌آموزان ابتدایی رابطه معناداری وجود دارد و در این میان، تنها سبک والدگری مقتدرانه با نمرات ریاضی ارتباط مثبت و معنادار دارد. والدین مقتدر با ارائه حمایت، هدایت و انتظارات واقع‌بینانه، زمینه بهبود عملکرد تحصیلی را فراهم می‌کنند، در حالی که سبک استبدادی ارتباطی نزدیک به صفر و سبک سهل‌گیرانه همبستگی منفی ضعیفی با پیشرفت ریاضی نشان دادند. افزون بر این، یافته‌ها تأیید می‌کنند که کارکردهای اجرایی همچون برنامه‌ریزی، توجه و کنترل خود با پیشرفت ریاضی رابطه مثبت و معنادار دارند، به‌گونه‌ای که دانش‌آموزان با توانایی‌های اجرایی قوی‌تر، عملکرد بهتری در حل مسائل ریاضی از خود نشان می‌دهند. در مجموع، نتایج بر ضرورت توجه هم‌زمان به سبک‌های والدگری کارآمد و تقویت کارکردهای اجرایی به‌عنوان عامل میانجی، یادگیری ریاضی و ارتقای عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تأکید می‌کند (ستاری و لواسانی، ۱۴۰۳).

در سطح بین‌المللی نیز نتایج مشابهی گزارش شده است. برای نمونه، آنجلینا و اسلمتو (۲۰۲۴) در یک مرور نظام‌مند نشان دادند که در میان سبک‌های مختلف فرزندپروری، سبک مقتدرانه مناسب‌ترین الگو برای ارتقای موفقیت تحصیلی و رشد مهارت‌های اجتماعی و عاطفی کودکان است. همچنین کاسینیلو (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای درباره یادگیری غیرحضور در دوران همه‌گیری کووید-۱۹ گزارش کرد که بیشتر والدین دارای سبک مقتدرانه بودند و این سبک با عملکرد تحصیلی مناسب دانش‌آموزان همراه بود. با این حال، برخی پژوهش‌ها رابطه معناداری میان سبک‌های والدگری و عملکرد تحصیلی نیافته‌اند؛ برای مثال، بالین و رامولای (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای بر دانش‌آموزان دوره متوسطه گزارش کردند که سبک‌های مختلف تربیتی رابطه معناداری با عملکرد تحصیلی نداشتند.

بخش دیگری از پژوهش‌ها به نقش کارکردهای اجرایی در پیشرفت تحصیلی پرداخته‌اند. نتایج این مطالعات نشان می‌دهد که کارکردهای اجرایی، به‌ویژه مؤلفه‌هایی مانند حافظه کاری، بازداری و انعطاف‌پذیری شناختی، نقش مهمی در عملکرد تحصیلی کودکان دارند. برای مثال، آهمد و همکاران نشان دادند که حافظه کاری نقش مهمی در عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان ایفا می‌کند و کارکردهای اجرایی می‌توانند از طریق بهبود فرایندهای یادگیری به افزایش موفقیت تحصیلی منجر شوند. همچنین نصیری و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی بر دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی نشان دادند که مؤلفه‌های مختلف کارکردهای اجرایی، از جمله برنامه‌ریزی و حافظه کاری، پیش‌بینی‌کننده‌های مهم مهارت‌های تحصیلی ریاضی هستند. شبانزاده و همکاران (۱۴۰۱) نیز گزارش کردند که مؤلفه‌های کارکردهای اجرایی نقش مهمی در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دارند.

علاوه بر این، برخی پژوهش‌ها به بررسی نقش میانجی کارکردهای اجرایی در رابطه میان عوامل خانوادگی و پیامدهای تحصیلی پرداخته‌اند. برای مثال، آزر و همکاران (۲۰۲۲، ۲۰۲۳) نشان دادند که مهارت‌های والدگری تأثیر معناداری بر کارکردهای اجرایی و مهارت‌های خواندن و ریاضی دارند و کارکردهای اجرایی نقش میانجی میان مهارت‌های فرزندپروری و عملکرد تحصیلی ایفا می‌کنند. همچنین نتایج پژوهش بیدمن و همکاران نشان داد که کارکردهای اجرایی در رابطه میان حمایت والدین و موفقیت‌های بعدی فرزندان نقش واسطه‌ای دارند. در پژوهشی دیگر، ایران‌پرست و قنبری‌پناه (۱۳۹۸) نیز نشان دادند که رابطه میان سبک والدگری مقتدرانه و عملکرد تحصیلی با حضور میانجی کارکردهای اجرایی همچنان معنادار باقی می‌ماند.

از سوی دیگر، برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که سبک‌های سخت‌گیرانه و کنترل‌گر، از طریق تضعیف خودتنظیمی و افزایش استرس، می‌توانند بر رشد کارکردهای اجرایی تأثیر منفی بگذارند و به این ترتیب، به‌طور غیرمستقیم با پیامدهای تحصیلی ضعیف‌تر مرتبط شوند. با وجود این، بخش عمده‌ای از این مطالعات از طرح‌های مقطعی بهره برده‌اند و هنوز تعداد محدودتری از پژوهش‌ها با طرح‌های طولی و مدل‌سازی معادلات ساختاری، نقش میانجی کارکردهای اجرایی را به‌صورت قوی و علی بررسی کرده‌اند.

در مجموع، شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که سبک‌های فرزندپروری، به‌ویژه سبک مقتدرانه، با پیامدهای تحصیلی مطلوب‌تر در کودکان همراه هستند و کارکردهای اجرایی نقش مهمی در موفقیت تحصیلی ایفا می‌کنند. علاوه بر این، برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که کارکردهای اجرایی می‌توانند به‌عنوان سازوکاری میانجی در رابطه میان عوامل خانوادگی و عملکرد تحصیلی عمل کنند.

جمع‌بندی نظری و خلأهای پژوهشی

مرور ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که مطالعات متعددی به بررسی رابطه میان سبک‌های والدگری و پیامدهای تحصیلی کودکان پرداخته‌اند و اغلب نتایج بیانگر آن است که سبک والدگری مقتدرانه با پیامدهای تحصیلی مطلوب‌تر و سبک‌های مستبدانه و سهل‌گیرانه با عملکرد تحصیلی ضعیف‌تر همراه هستند. با وجود این، بخش قابل توجهی از این پژوهش‌ها عمدتاً بر روابط مستقیم میان سبک‌های والدگری و پیشرفت تحصیلی تمرکز داشته‌اند و کمتر به سازوکارهای شناختی زیربنایی این رابطه توجه کرده‌اند.

در سال‌های اخیر، کارکردهای اجرایی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پیش‌بین‌های موفقیت تحصیلی مورد توجه قرار گرفته‌اند. این کارکردها که شامل مؤلفه‌هایی نظیر حافظه کاری، بازداری پاسخ و انعطاف‌پذیری شناختی هستند، نقش اساسی در تنظیم رفتار هدفمند، برنامه‌ریزی و حل مسئله ایفا می‌کنند و با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان، به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند خواندن و ریاضیات، ارتباط نزدیکی دارند (Miyake et al., ۲۰۰۰; Blair & Razza, ۲۰۰۷). از سوی دیگر، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که کیفیت تعاملات والد-کودک و شیوه‌های فرزندپروری می‌توانند در شکل‌گیری و رشد این فرایندهای شناختی نقش مهمی داشته باشند. برای مثال، تعاملات گرم و حمایت‌گرانه همراه با نظارت و ساختار مناسب که از ویژگی‌های سبک والدگری مقتدرانه است، می‌تواند فرصت‌های بیشتری برای تمرین خودتنظیمی و رشد مهارت‌های شناختی فراهم کند (Darling & Steinberg, ۱۹۹۳; Bernier et al., ۲۰۱۲).

با وجود شواهد موجود درباره ارتباط سبک‌های والدگری با کارکردهای اجرایی و نیز نقش کارکردهای اجرایی در موفقیت تحصیلی، پژوهش‌هایی که این سه متغیر را در قالب یک چارچوب یکپارچه بررسی کرده باشند هنوز محدود است. بسیاری از مطالعات یا به رابطه والدگری و عملکرد تحصیلی پرداخته‌اند یا بر نقش کارکردهای اجرایی در پیشرفت تحصیلی تمرکز داشته‌اند، در حالی که بررسی نقش میانجی کارکردهای اجرایی در پیوند میان سبک‌های والدگری و پیشرفت تحصیلی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

بر این اساس، می توان چنین استدلال کرد که سبک های والدگری به عنوان زمینه های تربیتی خانواده، از طریق تأثیرگذاری بر رشد کارکردهای اجرایی کودکان، مسیر دستیابی آنان به موفقیت تحصیلی را شکل می دهند. در این چارچوب، کارکردهای اجرایی به منزله سازوکارهای شناختی میانجی در نظر گرفته می شوند که چگونگی انتقال اثر تجارب فرزندپروری بر پیامدهای تحصیلی را تبیین می کنند. توجه به این رویکرد می تواند درک دقیق تری از فرایندهای روان شناختی دخیل در پیشرفت تحصیلی کودکان فراهم آورد و مبنایی برای طراحی مداخلات آموزشی و خانوادگی با هدف تقویت کارکردهای اجرایی و ارتقای عملکرد تحصیلی آنان فراهم سازد.

بحث و نتیجه گیری

یافته های مرور نظام مند پژوهش ها نشان می دهد که شبکه ای پیچیده از متغیرهای خانوادگی و شناختی پیشرفت تحصیلی کودکان را شکل می دهد. سبک های والدگری، به ویژه سبک مقتدرانه، با فراهم کردن محیطی حمایتگر، ساختارمند و توأم با تعامل مثبت، می توانند زمینه رشد بهینه کارکردهای اجرایی را فراهم آورند. این کارکردهای اجرایی نیز به عنوان سازوکارهای شناختی بنیادین، نقش میانجیگری در انتقال اثرات محیط خانوادگی بر عملکرد تحصیلی ایفا می کنند و امکان خودتنظیمی، برنامه ریزی، و حل مسأله مؤثر را در دانش آموزان ارتقاء می دهند. اگرچه شواهد زیادی بر اهمیت هریک از این متغیرها به صورت مجزا وجود دارد، اما تحلیل انتقادی مطالعات پیشین نشان می دهد که اغلب پژوهش ها از مدل های میانجی گرانه جامع غفلت کرده اند. بنابراین، تبیین چندسویه روابط والدگری، کارکردهای اجرایی و پیشرفت تحصیلی نه تنها خلأهای مفهومی را پر می کند، بلکه می تواند چارچوبی نظری برای طراحی و ارزیابی مداخلات آموزشی و تربیتی مبتنی بر شواهد فراهم سازد.

منابع

- ۱- ابدی خدایی، ز. و تیوری، ع. ۱۳۹۸. تفاوت های مرور روایتی و مرور نظام مند. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ۱۹، *۱۶۸-۱۶۶
- ۲- ایران پرست، اکرم و قنبری پناه، افسانه، ۱۳۹۸، نقش میانجی گری کارکردهای اجرایی در رابطه الگوهای والدینی با عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر دوره ی اول متوسطه، چهارمین همایش ملی روان شناسی تربیتی شناختی، تهران، ۱۰۴۰۴۳۵/ doc/civilica.com
- ۳- ستاری قهفرخی، پگاه و غلامعلی لواسانی، مسعود، ۱۴۰۳، رابطه سبک های والدگری و پیشرفت ریاضی در دانش آموزان ابتدایی: بررسی نقش میانجی گر کارکردهای اجرایی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- ۴- شبانزاده، علی و نصری، صادق و دماوندی، مجیدابراهیم، ۱۴۰۱، نقش کارکردهای اجرایی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، دومین کنفرانس ملی مدیریت، روان شناسی و علوم رفتاری، تهران، ۱۴۵۱۲۷۶/ doc/civilica.com
- ۵- شریفی سده، فرزانه (۱۳۹۷)، بررسی سبک های فرزندپروری والدین با خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان ابتدایی، سیزدهمین کنفرانس بین المللی روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران.
- ۶- طباطبایی، سید علی، فضلی، رخساره، یارعلی، جواد، ۱۳۹۳، بررسی رابطه ی سبک های فرزند پروری والدین با پیشرفت تحصیلی و اختلال رفتاری دانش آموزان دوره ی ابتدایی، فصلنامه ی خانواده و پژوهش، شماره ۱۸.
- ۷- عبدالملکی، فاطمه، و عباسی، عفت. (۱۴۰۴). تحلیل مروری نقش سبک های فرزندپروری در پیش بینی عملکرد تحصیلی و رفتاری دانش آموزان ابتدایی: با تأکید بر سبک مقتدرانه. در چهارمین کنفرانس ملی خانواده و مدرسه، ۲۹ آذر ۱۴۰۴.
- ۸- نصیری، زهرا، منظری توکلی، حمدا...، سلطانی، امان ا...، بحرینی زاده، آناهیتا، (۱۴۰۲). نقش کارکردهای اجرایی در پیش

بینی مهارت های تحصیلی ریاضی دانش آموزان ابتدایی کم توان ذهنی. فصلنامه پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی، ۱۱(۳)، ۷۲-۵۹

۹- نواب کاشانی، سیدمهدی، و پورسیدآقایی، زهراسادات. (۱۴۰۱). پیش‌بینی میزان موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان بر اساس سبک والدگری والدین آنان با میانجی‌گری خودکارآمدپنداری و حرمت خود در کودکان دبستانی. سلامت روان کودک، ۹(۴)، ۱۰۸-۱۲۰.

۱۰- AZAR, ELISA EMMA, VARGAS-RUBILAR, JAEL, & ARÁN-FILIPPETTI, VANESSA. (۲۰۲۳). Parental Skills and Academic Competences in School Children: The Mediator Role of Executive Functions. *Revista Colombiana de Psicología*, ۳۲(۱), ۱-۱۰. Epub August ۲۶, ۲۰۲۲. <https://doi.org/10.15446/rcp.v32n1.94808>.

۱۱- Baumrind, D. (۱۹۹۱). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *Journal of Early Adolescence*, ۱۱(۱), ۵۶-۹۵.

۱۲- Baumrind, D. (۱۹۹۷). Childcare practices anteceding three patterns of preschool behavior. *Genetic Psychology Monographs*, ۷۵(۱), ۴۳-۸۸.

۱۳- Bernier, A., Carlson, S. M., Deschênes, M., and Matte-Gagné, C. (۲۰۱۲). Social factors in the development of early executive functioning: a closer look at the caregiving environment. *Dev. Sci.* ۱۵, ۱۲-۲۴. doi: 10.1111/j.1467-7687.2011.01093.x

۱۴- Blair, C., and Razza, R. P. (۲۰۰۷). Relating effortful control, executive function, and false belief understanding to emerging math and literacy ability in kindergarten. *Child Dev.* ۷۸, ۶۴۷-۶۶۳. doi: 10.1111/j.1467-8624.2007.01019.x

۱۵- Best, J. R., & Miller, P. H. (۲۰۱۰). A developmental perspective on executive function. *Child Development*, ۸۱(۶), ۱۶۴۱-۱۶۶۰.

۱۶- Bull, R., Espy, K. A., & Wiebe, S. A. (۲۰۰۸). Short-term memory, working memory, and executive functioning in preschoolers: Longitudinal predictors of mathematical achievement at age ۷ years. *Developmental Neuropsychology*, ۳۳(۳), ۲۰۵-۲۲۸. <https://doi.org/10.1080/87566564.0801982312>

۱۷- Carlson, S. M. (۲۰۰۹). Social origins of executive function development. *New Dir. Child Adolesc. Dev.* ۱۲۳, ۸۷-۹۸.

۱۸- Darling, N., & Steinberg, L. (۱۹۹۳). Parenting style as context: An integrative model. *Psychological Bulletin*, ۱۱۳(۳), ۴۸۷-۴۹۶.

۱۹- Diamond, A. (۲۰۱۳). Executive functions. *Annual Review of Psychology*, ۶۴, ۱۳۵-۱۶۸.

۲۰- Miyake, A., Friedman, N. P., Emerson, M. J., Witzki, A. H., Howerter, A., & Wager, T. D. (۲۰۰۰). The Unity and Diversity of Executive Functions and Their Contributions to Complex "Frontal Lobe" Tasks: A Latent Variable Analysis. *Cognitive Psychology*, ۴۱(۱), ۴۹-۱۰۰.

۲۱- Núñez, J. M., Soto-Rubio, A., & Pérez-Marín, M. (۲۰۲۴). Executive functions and special educational needs

and their relationship with school-age learning difficulties. *Children*, *۱۱*(۱۱), ۱۳۹۸.

۲۲- National Research Council. (۲۰۰۱). Adding it up: Helping children learn mathematics. National Academies Press

۲۳- Page, M. J., McKenzie, J. E., Bossuyt, P. M., Boutron, I., Hoffmann, T. C., Mulrow, C. D., ... & Moher, D.

.(۲۰۲۱) The PRISMA ۲۰۲۰ statement: An updated guideline for reporting systematic reviews. *BMJ*, *۳۷۲*, n۷۱